

### متن پرسش

سلام و عرض ادب خدمت استاد فرزانه و بزرگوار: در کتاب از برهان تا عرفان، در ابتدا در مقام استدلال و ارائه مبانی اصلی برهان صدیقین می‌فرمایید اگر سوفسطایی نباشیم می‌پذیریم موجودات یا عین وجود هستند یا وجودی هستند که در عین وجود داشتن محدودیت و نقص دارند و لذا به عین وجود ختم می‌شوند. استاد عزیز آیا طرح این موضوع و یا شکل طرح آن ایراد ندارد؟ زیرا عین وجود را در یک مدل دو تایی قیاس می‌کنیم که هستی یا عین وجود است یا نیست و در واقع داریم عین وجود را که تنها باریتعالی می‌تواند باشد را محدود می‌کنیم به خودش و غیر خودش! البته هدف از این استدلال روشن و ظاهراً صحیح است ولی آیا استدلال نباید محکم و بدون ایراد باشد؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: وقتی با فرض مذکور روشن شد مخلوقات عین وجود نیستند؛ مرحله بعدی آن است که متوجه شویم پس وجود آنها عین ربط به وجود مطلق است و لذا هیچ محدودیتی در نتیجه و در افق پیش نمی‌آید. موفق باشید